

درستایش قرآن و پیغمبر اسلام

از : یوهان ولفگانگ فون گوته آلمانی

مقدمه مترجم :

گوته از دانشمندان عالیقدر جهان و از مغزهای بزرگ‌تست که در کشور آلمان بوجود آمده است. وی در ظرف هشتاد و سه سال عمر خود از ۱۷۴۹ تا ۱۸۳۲ جامع علوم و فنون زمانش گردید. اما آنچه او را بیشتر مشهور ساخت فصاحت قابل ملاحظه و بلاغت بی نظیر و شگفت انگیز او در انواع ادب آلمانی بود. تا جائیکه بسیاری از شعرا و نویسندگان را شیفتهٔ سبک خود گردانید. این دانشمند بزرگ در اواخر عمر که اروپا بر اثر جنگ‌های ناپلئون اول (۱۷۹۷-۱۸۱۵) بآتش و خون کشیده شده بود از کارهای سیاسی کناره گیری کرد، و در گوشهٔ اتروا بمطالعه ادبیات مشرق زمین پرداخت از قرآن و سخنان پیامبر و امام تا تاریخ اسلام و ایران و ادبیات ایران و عرب و عثمانی همه را از زیر نظر گذرانید، و در مطالب آنها تعمق کرد، و از حاصل بررسیهای خود کتابی پرمغز مشتمل بر دو بخش تألیف کرد.

بخش اول شامل اشعار است که جوهر مضامین آنها را از کتابهای اسلامی و ادبی ایران و عرب و عثمانی و تواریخ مربوط بآن اخذ کرده و در قالب عالی ترین اسلوب شعری آلمانی ریخته و شاهکاری دلنشین بوجود آورده است.

بخش دوم شامل ملاحظات تاریخی و ادبی و توضیحات و تفصیلات است که بنثر نوشته و برای مطالعه کنندگان اشعار دیوان لازم دانسته است.

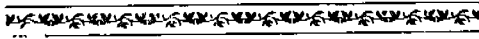
این کتاب که نظیرش را در میان کتابهای ادبی جهان از لحاظ موضوع و سبک نمیتوان یافت: «دیوان شرقی و غربی» نام دارد. که بزبانهای مهم دنیا ترجمه شده است. گوته باسلام هم علاقمند بوده و بمعارف اسلامی توجه داشته است. و علاقهٔ او از مضمون شعری که در ستایش این مذهب مترقی سروده بخوبی آشکار میشود در آنجا که میگوید:

«از حماقت آدمیست که تنها عقیده شخصی خود را ستایش کند. اگر معنای اسلام تسلیم شدن بارادۀ خداوند میباشد ما همگی در اسلام زندگی میکنیم و مسلمان میمیریم». (۱)

این متفکر نامی را بر مسلمین حق مسلمیست، زیرا باخامه توانای خود بنحوی دلپذیر آلمانی زبانهای قرن نوزدهم بعد را باهدفهای اسلامی آشنا ساخته، و فضایی آلمانی را باسلام شناسی شائق گردانیده است.

ترجمه ای که بنظر خوانندگان محترم میرسد ستایشی است که در باره مقاصد قرآن و پیامبر اسلام نوشته و در بخش دوم دیوانش درج کرده است.

بررسی آن خوانندگان را از اندیشه‌های او در اینمورد برخوردار میسازد.



موقعی که ما در ضمن بر رسیهای خود از نظر شعر، دقیق می‌شویم، مناسب می‌بینیم که برای منظور خود بدوا از مرد فوق‌العاده‌ای صحبت کنیم، که با عزمی راسخ دعوی پیغمبری کرد، و خود را از شاعری برکنار دانست. و لذا باید قرآن او را قانون‌خدائی دانست و نباید آنرا مانند کتابهایی تصور کرد که بشر برای تدریس یا تفریح هموعاش می‌نویسد.

هرگاه بخواهیم فرق میان شاعر و پیامبر را بیان کنیم، باید بگوییم که هر دو از يك خدا الهام میگیرند و روشنائی دل‌آخزمیکنند ولی شاعر موهبتی را که پروردگارش بساو ارزانی داشته برای جلب منفعت مورد استفاده قرار میدهد، و نیز بوسیله آنچه بمددقریحه ظاهر میسازد شهرت و افتخاری کسب میکند و همچنین زندگی راحتی برای خود فراهم میسازد، و از فوائد دیگر غفلت مینماید. سعی دارد که خود را در احساسات و منظره‌های متنوع (۲) نشان دهد، و از نظرافکار و تخیل نامحدود جلوه‌گر سازد. در صورتیکه پیامبر تنها بیک فایده و هدف (۳) مشخص توجه دارد و برای رسیدن باین منظور ساده ترین وسائل را مورد استفاده قرار میدهد. پیامبر با تعلیماتی که میدهد فقط می‌خواهد تمام ملل را زیر يك پرچم جمع کند، و همگی باو ایمان بیاورند بنا بر این در تعلیماتی باید یکنواخت باشد،

۱- کلیات سی جلدی گوته جلد ۴ دیوان شرقی و غربی: ۲۵۸

۲- مقصود اینست که شاعر برای ادای معانی گاهی بقصیده یا غزل و زمانی بمدیحه یا هجو و موقعی بمرثیه متوسل میشود (مترجم).

۳- هدف تمام پیامبران یکیست. و آن دموث کردن مردم بپستش خدای یگانه و اطاعت از فرمانهای اوست و بعلاوه بین الهام شاعر و وحی پیامبران تفاوتی بزرگ است (مترجم).

و یکنواخت هم باقی بماند زیرا مردم به تنوع ایمان نمیآورند، و تنوع را تشخیص میدهند. تمام مندرجات قرآن با چند سطر مختصر مطالب زیادی را گوشزد میکند. کما اینکه در آغاز سوره دوم بشرح زیر میفرماید:

«درین کتاب شك و تردیدی وجود ندارد. و دستورالعملی برای پرهیزگارانست. پرهیزگارانیکه به معتقدات غیبی ایمان دارند و مراقب اوقات معین نماز میباشند، و از آنچه بآنها ارزانی داشته‌ایم بعنوان صدقه میبخشند. و آنچه بتو و پیامبران قبل از تو وحی شده، و همچنین بزندگی بعد از مرگ تصدیق و یقین دارند. اینان بوسیلهٔ پروردگارشان رهبری شده‌اند و آمرزیده و رستگارند. و برای کافران یکسانست خواه بآنها اخطار کنی یا نکنی نخواهند گروید، زیرا خدا مهر بر دل و گوششان نهاده، و پرده تاریکی بر دیدگانشان کشیده و شکنجه دردناکی خواهند دید» (۴)

بدین طریق قرآن سوره بسوره تکرار میشود، و مومنان و کافران بدو دسته منقسم میگردند: تصدیق‌کنندگان در بهشت و انکارکنندگان در دوزخ وارد خواهند شد. مندرجات این کتاب مقدس از حلال و حرام و قصص و اخباری راجع بدین بیهود و مسیح و از همه قسم تفصیلات و مکررات تشکیل یافته، که هرچه زیادتر در آن امعان نظر کنیم مکررات (۵) مزبور تجدید میشود. اما با این حال ما را مجذوب میکند و بشگفت میآورد

۴- ترجمه آیات از روی متن آلمانی صورت گرفته است.

۵- توضیح مربوط بمکررات قرآن و همچنین توضیحات مربوط بشماره‌های ۶ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ از نظر تفصیل بعد از ترجمه درج شده است.

خواشی و توضیحات مربوط بترجمه ستایش قرآن:

۵- مکررات قرآن مناسبت مخصوصی دارد، و طرز بیان هر يك مختلف است. و از نظر بلاغت قابل توجه میباشد و از جمله کمالات قرآن محسوب می‌گردد. از آنجائیکه قرآن بلغات و الفاظ و اصطلاحات عربی تسلط کافی دارد، لذا توانسته است، که بلكم معنی را با بیان های متنوع در موارد متعدد طوری ادا کند که همه اش بلیغ باشد.

مثلا در مورد وصف زنان بهشتی در چهار مورد چنین میفرماید:

۱- بزنان سیاه چشم پرده نشین بهشتی کسی از آدم و جن (قبل از شوهرشان) دست نزده است الرحمن ۷۲ و ۷۳.

۲- (لطافت) زنان سیاه چشم بهشتی چون مروارید در صدف میباشد. واقعه: ۲۲.

۳- (در بزم بهشتیان) زنان خوش چشمی وجود دارد که جز بشوهر خود بکسی ننگرند.

وسرانجام بتعظیم و احترام وادارمینماید . بهمین جهت آنچه درین کتاب مقدس از نظر اهمیت برای تحقیق کننده در تاریخ بیشتر مورد توجه میباشد از زبان مرد عالیقدری بیان میکنیم :

« بنظر میآید که مهمترین مقصود قرآن چنین بوده، که معتقدان بسه مذهب مختلفی که قبل از اسلام در عربستان رواج داشته واغلبشان درهم و برهم و بی سرپرست و قسمت اعظمشان بت پرست وباقی آنها یهودی و مسیحی وصاحب عقاید گمراه کننده و فاسد بوده اند، بشناختن و پرستش خدای یگانه، نامرئی وجاودانی که تمام موجودات در پرتو قدرت بی انتهایش از نیستی بهستی قدم نهاده اند، و آنچه را که هنوز بهستی نیامده اند میآفریند، و همو بالاترین فرمانروا و عالی ترین قاضی و رب الارباب میباشد دعوت کند . و برای این منظور قوانین را که دارای نشانه های خارجی از بعضی از تشریفات میباشد ، که قسمتی از آنها از قدیم و برخی مربوط بتعلیمات تازه است ، و هر کدام بر بنیان عقیده تنبیه و مجازات و همچنین پادشاهای موقتی و دائمی استوار گشته وضع نماید ، و همگی آنها را با این افکار متحد سازد و در تحت فرمان محمد بن عبدالله ص پیامبر و فرستاده خدا درآورد، و با اعلام مکرر ، وعده و وعیدهای زمانهای گذشته سرانجام مذهب حقیقی خدائی را بوسیله نیروی

بقیه از ص قبل

(و در سفیدی و شفافی) مانند تخم شتر مرغ مستور در زیر خاک هستند . **صافات : ۴۸ و ۴۹ .**

۴- زنان خوش چشم بهستی را برای بندگان نیکوکاران (در نهایت حسن و جمال) آفریده و همگی را با کره گردانیده ایم . آنها شوهر دوست و جوان و همسال یکدیگرند . **واقعۀ ۳۵ تا ۳۸ .**
در قسمت اول از دست نخوردگی آنها، و در قسمت دوم از لطافت بدنشان، و در قسمت سوم از سفیدی و شفافی جسمشان و در قسمت چهارم از باکره بودن و جمال و جوانی و شوهر دوستی حوریان بهستی صحبت شده است .

بعضی از مکررات قرآن هم شکل «ترجیع بند» را دارد که از صنایع ممتاز لفظی است . مانند تکرار

آیه قیای الاء ربکما تکذبان در سوره الرحمن

اینها نمونه ای از مکررات قرآن کریم بود، که ذکر شد . و هر قدر در مکررات این کتاب آسمانی بیشتر

دقت شود شگفتی هایش بهتر آشکار خواهد شد . (مترجم) .

سلاح (۶) روی زمین ترویج کند، تا اینکه در مورد امور مذهبی مانند کشیش عالیمقام یا اسقف و یا پاپ، و نیز در امور دنیوی مانند بزرگ‌ترین شاهزاده شناخته شود (۷).

با در نظر گرفتن این نکات مهم دیگر نمیتوان بمسلمانانی که دوران قبل از اسلام را عصر جاهلیت نامیده، و معتقد بوده‌اند که با ظهور اسلام دانائی و روشن بینی (در بین اعراب) آغاز شده، ایراد گرفت.

سبک قرآن بر طبق موضوع و هدفش دارای روشی جدی‌توأم با بزرگ‌منشی و تهدید کننده و حقیقه با احترام همراه است. و بدین طریق آیه بدنبال آیه دیگر می‌آید، و کسی نباید در باره تأثیر بزرگی که این کتاب دارا است دچار شگفتی گردد. و بهمین جهت است که قرآن از طرف مومنان تا آن حد مورد احترام واقع بوده که آنرا قدیم (۸) و مانند

۶- تبلیغ در اسلام چهار مرحله داشته‌است: موعظه، حکمت، جدل منطقی و توسل بقوای جنگی. چنانچه پیامبر اسلام ص ابتدا بوسیله بیان و قلم تبلیغات خود را آغاز کرد و حتی نامه‌هایی بشهریاران زمان خود نوشت، و بروش موعظه و نصیحت آنها را بدین اسلام دعوت کرده، و با جمعی از مردم بروش حکمت تبلیغ میکرد. و دلایلی اقامه مینمود که شنونده مجاب میشد، با گروهی هم جدل منطقی بکار میبرد. بعبارت ساده تری مسلمیات آنها را بعنوان دلیل علیه آنها اقامه میکرد. موقعیکه از روش‌های مزبور نتیجه قطعی نگرفت. و وسائل نظامی خود را بکار انداخت. بدوای قوای متحد قریش را که بت‌پرست بودند در چند جنگ منهزم ساخت. سپس سایر قبایل عرب را زیر پرچم اسلام درآورد. آنگاه قوای نظامی خود را بسیج کرد و بسوی قلمرو امپراتور روم شرقی حرکت داد. و در این جنگ‌ها فرمان او این بود که اهل کتاب در قبول دین اسلام مختارند. مشروط بر اینکه کار شکنی نکنند و بشرايط ذمه ملتزم شوند و تحت حمایت مسلمین قرار گیرند. ولی بت پرستان یا باید مسلمان شوند یا نابودگردند بنا به چنین فرمانی هر جا که قشون اسلام قدم‌گذارند، بت‌پرستی محو گردید و هرگونه مقاومتی درهم شکست. (مترجم)

۷- پیامبر اسلام حکومت و معنویت را در يك مقام قرار داده تا بین این دو پراکندگی ایجاد نشود.

مسجد محل قضاوت و حکومت و محل عبادت است. (مترجم)

۸- مقصود محقق آلمانی اشاره باختلاف نظریست که در مورد قدمت یا حدوث قرآن در زمان مائون (۱۹۳-۲۱۸ هـ) ششمین خلیفه عباسی در بین متکلمان بوجود آمده‌است و البته هر يك از طرفین دلایلی دارند که برای کسب اطلاع از آنها باید بکتبشان مراجعه کرد، (الاعلام، ۲: ۵۸۹ و ۶۴۴.

خیرالدین زرکلی) (مترجم)

وجود خدای جهان جاوید میدانسته‌اند .

با وجود اینهمه مزیت که برای قرآن ذکر کردیم اشخاصی در عربستان پیدا شدند که سبک منظومه‌سرائی و اسلوب نگارش دوران جاهلیت را قبول داشتند، و مدعی بودند، که اگر خدای مقتضی نمیدانست که اراده و تشکیلات قانونی و قطعی خود را بوسیله پیامبر اسلام دفعه آشکار سازد خود عربها تدریجا خود بخود چنین مرحله‌ای را میپیمودند ، و مفاهیم بارزی را با یک زبان خالص ابلاغ می‌کردند .

بعضی از جسوران هم مدعی بودند که پیغمبر اسلام ، زبان و ادبیات آنها را خراب کرده بطوریکه هرگز ترمیم پذیر نخواهد بود و حتی جسورترین آنان ، که شاعری نابغه بوده با کمال خونسردی اطمینان داده، که تمام آنچه‌هایی را که پیامبر اسلام گفته خود او هم گفته و بلکه بهتر از وی هم گفته‌است . این شاعر پیروانی هم بدور خود جمع کرد ، و لذا لقب مسخره آمیز هتنبی (۱۰) را بدو دادند که ما هم اورا بهمین لقب می‌شناسیم و این‌بکسی

۹- جنگهای بسوس، و احس و غیرا که در دوران جاهلیت عرب سالها بین قبایل آنها بوقوع پیوسته و دوام داشته می‌رساند که چنین ادعائی از طرف مدعیان اسلام درست نبوده‌است . و با در نظر گرفتن اینکه نژاد عرب بقتل و غارت و تهاجر بر یکدیگر خو گرفته بوده لذا فرصت نیل بچنین مرحله‌ایرا بدست نمی‌آورده‌است ، زیرا محیط آرام لازم‌است تا افکار بکر و نو بوجود آید ، و مراحل ترقی نصیب افراد اجتماع گردد . و فقط پیامبر اسلام ص بود که آنها را زیر پرچم اسلام متحد ساخت و از اغراض شخصی بازشان داشت ، و صفات حمیده‌را جایگزین صفات ناپسندشان گردانید . و چنین ملتی که تا قبل از گرویدن باسلام، قدر و منزلتی در تاریخ جهان نداشتند ببرکت اسلام قرون متمادی پرچمدار سیادت مشرق زمین و گرداننده چرخهای سیاست خاور میانه و خاور نزدیک و شمال آفریقا و اسپانیا و سیسیل گردیدند (مترجم) .

۱۰- در تأیید گفتار علامه آلمانی افزوده میشود جرجی زیدان مورخ مسیحی عرب در تاریخ آداب اللغة جلد دوم ص ۲۰۴ مینویسد که : متنهی (۳۰۳-۲۵۴ ه) از نظر بلاغت اسلوب سخنش بخودمغزور شده، تا جائیکه تصور کرد که پیامبر میباشد . پس نزد اعراب بنی‌کلب رفت و مدتی در بین آنها بزیست ابتدا دعوی علویت و سپس نبوت کرد. سخنانی که ساخته بود برای آنها بخواند، و آنرا قرآن خود معرفی نمود. کم‌کم عده‌ای از اعراب باو گرویدند. وقتی دعوت او شایع شد لو'لو' حاکم مصری حه‌ص به‌او و یارانش بناخت، و تمام افراد بنی‌کلب و غیر آنها را که با وی بودند اسیر کرد و خود اورا هم دستگیر نمود و مدت مدیدی در زندان نگهداشت. وقتی متنهی مشاهده کرد که چیزی نمانده تلف شود با اظهار توبه تقاضای آزادی کرد؛ حاکم سابق‌الذکر پس از اینکه با حضور عده‌ای از رجال شهر اقرار نامه ای از متنهی بر بطلان

اطلاق میشود که بدروغ بخواید در نقش پیامبران ظاهر گردد .
 گرچه انتقاد بعضی علما در باره قرآن شبهه‌هایی پیش می‌آورد : از قبیل اینکه گفته‌اند
 قسمت‌هایی از قرآن در زمان پیامبر اسلام وجود داشته و در حال حاضر موجود نیست (۱۱) ،
 و موارد دیگری که ضد و نقیض است و نظائر اینگونه مطالبی که در منقولات دست نویس
 منعکس می‌باشد ، ولی با این حال قرآن برای همیشه و بطور جاودان تأثیر مهمی خواهد
 داشت ، زیرا کاملاً بشیوه عملی و موافق احتیاجات ملتی تالیف شده که افتخارات خود را
 بر اساس سنن قدیمی قرار داده ، و با آداب و رسوم باستانی آنها کاملاً بستگی دارد .
 روش پیامبر اسلام در مورد اینکه از شعر (۱۲) اعراض کرده بمنتهای درجه عاقلانه
 و منطقی بنظر میرسد . مخصوصاً در آنمورد که افسانه‌ها و حکایات بی اساس را ممنوع
 (۱۳) فرموده‌است چه در ضمن همین داستان‌هاست که نیروی تخیل چیزهای غیر قابل

بقیه از ص قبل

دعوت و بازگشت بدین سلام را از او گرفت آزادش کرد از آن بعد منتهی فقط بشعر و شاعری پرداخت
 وی معاصر عضدالدوله دلمی (۲۳۸-۳۷۲) شهریار ایران، سیف‌الدوله بن حمدان (۳۳۳-۳۵۶) شهریار
 شام و کافور اخشیدی شهریار مصر بوده و مدتی هم در دربار آنها زیسته‌است .

وفیات‌الاعیان ج ۱: ۳۶۱ - یتیمه‌الدهر ج ۱: ۷۸ - طبقات‌الادباء: ۳۶۶ (مترجم) .

۱۱- روایاتی که حاکیست که قسمتی از قرآن از بین رفته‌است با وجود تضمینی که در آیه **انا نحن
 نزلنا التنکیر و انا له لحافظون** سوره حجر آیه ۹ شده ضعیف می‌باشد . ولی ممکنست قرآنی که امیر
المومنین علی ع بعد از درگذشت پیامبر اکرم ص جمع‌آوری و مدون کرده شامل تفسیر آیات و اخبار
 مربوط بآن بوده باشد که متأسفانه در دست نیست چنانچه محمدبن احمد جزئی کلبی صاحب تفسیر
«التسهیل لعلوم التنزیل» متوفی در قرن پنجم هجری در صفحه چهارم از مقدمه تفسیر مزبور مینویسد
 كان القرآن علی عهد رسول الله مفترقا فی الصحف و صدور الرجال . فلما توفی رسول الله قعد علی بن
 ابی طالب فی بینه و جمعه علی ترتیب نزوله . ولو وجد مصحفه لکان فیہ علم کثیر و لکن لم یوجد .
 (مترجم) در باره دلایل عدم تحریف قرآن بشماره ۱۷ مجله آستان قدس مراجعه شود .


۱۲- شعر قضائیتست که بر اساس تخیلات و بافته‌های ذهنی قرار دارد ، و اکثر آن از واقعیات دور
 است . (مترجم) .

۱۳- حکایات بی‌اساسی که مخلوق تخیلات نویسنده‌نمایشنامه امروزیست و همگی جنبه تجارتمندانه دارد
 و اغلب روی پرده سینما آورده میشود و صحنه‌های آن زننده و شهوت‌انگیز و جنایت‌آیز است مشمول
 همین ممنوعیت می‌باشد . (مترجم)

احتمال بصورت خفایق بدون تردید جلوه گرمیشود ، و با طرز تفکر شرقی و راحت طلبی و بیکاری آنان کاملاً متناسب میباشد .

این تخیلات نا محدود که در سرزمین عجیبی نمودار میگردد در زمان ساسانیان بعد وفور رسیده بود. چنانچه کتاب « هزارویکشب » شامل یک سلسله داستانهای مجزا بهترین نمونه آن محسوب میگردد . خصوصیت اینگونه افسانه ها این است ، که هدف اخلاقی ندارد . و از اینرو انسان را در محیط واقعی خود باقی نمیگذارد ، بلکه او را بمحیط نا محدودی می کشند .

پیامبر اسلام درست عکس اینرا طالب بود . و بخوبی مشاهده میشود ، که چگونه منقولات عهد عتیق و وقایع شیوخ بنی اسرائیل که البته همگی آنها بر اساس ایمان مطلق بخدا و اطاعت تفسیر ناپذیر و همچنین بر بنیان اسلامیت مبتنی میباشد بدستانهایی تبدیل و با تفصیلات عاقلانه اعتقادبیزدان و اطمینان و یقین و فرمانبرداری ازوی را همواره بیان کرده است و برای اجرای مقاصد سودمند خود بلا مانع دانسته که بعضی از حکایات و قصص را هم در ضمن سخن بیاورد . و قابل ستایش است که با در نظر گرفتن چنین اندیشه ای خصوصیات حوادث مربوط بنوح و ابراهیم و یوسف رامورد توجه قرار داده و در باره آنها بداوروی پرداخته است .


 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 فصلنامه علمی و پژوهشی «تفکر و اندیشه»
 شماره دوم و سوم، زمستان ۱۳۸۳

قال علی ع ما استودع الله امرءً عقلاً
 الا لیستقله به یوما ما ...
 (نهج البلاغه)

خداوند خرد را در مردی بودیعه ننهاد
 جز اینکه روزی وی را بوسیله آن نجات بخشد